

بسم الله الرحمن الرحيم

تربیت بر درگاه

«حضرت امام حسین (علیه السلام)»

تألیف

فاطمه حسینی واثق آبادی

عضو هیأت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان

انتشارات دانشگاه گیلان

۱۳۹۵



دانشگاه گیلان

۱۳۵۳-۱۹۷۴

شابک: ۴-۱۳۵-۱۵۳-۶۰۰-۹۷۸

سرشناسه	: حسینی دولت‌آبادی، فاطمه، ۱۳۴۳-
عنوان و نام پدیدآور	: تربیت بر درگاه حضرت امام حسین (علیه السلام)، تألیف فاطمه حسینی دولت‌آبادی؛ ویراستار علمی عباس صادقی؛ ویراستار ادبی هوشنگ سپهری.
مشخصات نشر	: رشت: دانشگاه گیلان، انتشارات، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۸ ص.
شابک	: 4-135-153-600-978
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴-۶۱ق. -- اخلاق
موضوع	: Ethics -- Hoseyn ibn Ali, Imam III
موضوع	: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴-۶۱ق. -- فضایل
موضوع	: Virtues -- Hoseyn ibn Ali, Imam III, 625-680
موضوع	: واقعه کربلا، ۶۱ق -- تأثیر
موضوع	: Influence -- Karbala, Battle of, Karbala, Iraq, 680
موضوع	: تربیت اخلاقی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Islam -- Religious aspects -- Moral education
موضوع	: عاشورا -- تأثیر
موضوع	: Tenth of Muharram -- Influence
سهم از رده	: دانشگاه گیلان، انتشارات
رده ادبیات گره	: ۱۳۹۵ ق ۵۳۴ ح ۴/۱ BP۴۱
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۵۳
شماره کتابت سی ملی	: ۴۴۱۸۲۰

ادار چاپ و انتشارات دانشگاه گیلان

تربیت بر درگاه «حضرت امام حسین (علیه السلام)»

فاطمه حسینی دولت‌آبادی

دکتر عباس صادقی

هوشنگ سپهری

اول، ۱۳۹۵

انتشارات دانشگاه گیلان

جلد ۱۰۰۰

۱۰۰۰۰ ریال

نام کتاب

مؤلف

ویراستار علمی

ویراستار ادبی

نوبت چاپ

ناشر

شمارگان

قیمت

* هر گونه چاپ و تکثیر فقط در اختیار انتشارات دانشگاه گیلان است.*

مقدمه.....	ج
فصل اول.....	۱
روش تحریک و تقویت ایمان مبتنی بر معرفت.....	۱
ایمان.....	۱
روش ایمان مبتنی بر معرفت.....	۳
ایمان از نظر حضرت حسین(ع).....	۴
فصل دوم.....	۲۳
روش تکریم شخصیت.....	۲۳
حضرت امام حسین(ع) و پاسداشت کرامت انسان.....	۲۵
۱- حق حیات و کرامت انسان.....	۲۵
۲- حق طاعت و کرامت انسان.....	۲۷
۳- تحقق ارزشهای اصیل انسانی و کرامت انسان.....	۳۱
فصل سوم.....	۳۵
روش امر به معروف و نهی از منکر.....	۳۵
امر به معروف و نهی از منکر در نگاه حضرت امام حسین(ع).....	۳۶
۱- در سخنرانی در مین، دو سال قبل از مرگ معاویه.....	۳۷
۲- در پاسخ به دعوت بیعت با یزید.....	۳۸
۳- هنگام خروج از مدینه.....	۳۸
۴- در مسیر کربلا.....	۴۱
فصل چهارم.....	۵۵
روش بیداری وجدان اخلاقی.....	۵۵
به کارگیری وجدان اخلاقی توسط حضرت امام حسین(ع).....	۵۷
الف- گام اول: سخنرانی در منزل شراف جهت اتمام حجت جمعی.....	۵۷
ب- گام دوم: سخنرانی دوم اتمام حجت جمعی.....	۵۷
ج- گام سوم: ملاقاتی در جهت اتمام حجت فردی.....	۵۸
د- گام چهارم: اتمام حجت در صبح عاشورا.....	۵۹
و- گام پنجم: مناظره با کوفیان.....	۶۱

۶۳.....	هـ- گام ششم: سخنرانی در روز عاشورا
۶۷.....	فصل پنجم
۶۷.....	روش ابتلاء
۶۸.....	اهمیت ابتلاء
۶۹.....	انواع آزمایش (ابتلا)
۷۲.....	ابتلاء از منظر حضرت امام حسین (ع)
۷۶.....	ارتباط بین اختیار و ابتلاء
۷۸.....	ابتلاء ران حضرت امام حسین (ع)
۷۸.....	شجاع
۷۹.....	تجلی شجاعت در نرآ بند کربلا
۸۵.....	شجاعت حضرت امام حسین (ع)
۸۹.....	فصل ششم
۸۹.....	روش ارائه بینش
۹۰.....	ارائه بینش توسط حضرت امام حسین (ع)
۹۰.....	الف- بینش نسبت به زندگی انسان در دنیا
۹۹.....	ب- بینش در مواجهه با مرگ
۱۰۶.....	ج- بینش در مورد حقیقت انسان
۱۰۹.....	فصل هفتم
۱۰۹.....	روش التزام به عبادت
۱۱۰.....	پیام های نماز
۱۱۹.....	ویژگی های نماز مطلوب
۱۲۱.....	نماز عاشورا
۱۲۵.....	فصل هشتم
۱۲۵.....	روش نصیحت و موعظه
۱۲۶.....	به کارگیری روش موعظه توسط حضرت امام حسین (ع)
۱۲۶.....	الف- موعظه با تأکید بر بیان نعمتها
۱۲۸.....	ب- نصیحت با توجه به ظرفیت فکری مخاطبین
۱۲۸.....	ج- موعظه و هدایت همه انسان ها
۱۲۹.....	د- سخنرانی حضرت امام حسین (ع) برای کوفیان بعد از نماز ظهر در شراف

۱۳۰	و- سخنرانی حضرت امام حسین (ع) شب عاشورا
۱۳۰	ه- سخنرانی در صبح عاشورا
۱۳۱	ی- اتمام حجت نهایی با کوفیان
۱۳۴	باز داشتن کودک از خوردن چیزهای حرام
۱۳۵	اهمیت این سخنرانی‌ها و اتمام حجت
۱۳۷	فصل نهم
۱۳۷	روش ابراز آزادگی
۱۳۸	آزادی
۱۳۹	آزادگی
۱۴۳	آزادگی در فرآیند حرکت کربلا
۱۵۰	تأثیر روح آزادگی نهضت حضرت امام حسین (ع) بر قیام‌های دیگر
۱۵۵	فصل دهم
۱۵۵	روش اقتداء به صبر
۱۵۵	پیامدهای مثبت صبوری
۱۵۶	پیامدهای منفی بی صبوری
۱۵۷	مراتب صبر در اخلاق
۱۵۷	انواع صبر در قرآن
۱۵۹	صبر در مقام عشق
۱۶۱	مقام صبر در بینش قرآن
۱۶۲	صبر در جریان کربلا
۱۶۳	تأکید بر صبر قبل از رسیدن به کربلا
۱۶۳	تأکید بر صبر در شب عاشورا
۱۶۴	صبر در روز عاشورا
۱۷۳	فهرست سخنان حضرت امام حسین (ع)
۱۸۱	فهرست منابع

باسمه تعالی

مقدمه

در نظام احسن خلقت هر موجودی را جایگاهی است که راه خویش را به سوی کمال می‌پیماید. هر کدام از این موجودات آیه‌ای از آیات و نشانه‌ای به سمت حضرت احدیت هستند. شک نداریم که انسان نیز اهل هر نقطه و مکان که باشد، دارای قابلیت است که در اثر حرکت در آن قادر است استعدادهای خود را به منزل فعلیت، ظهور و ثبوت رساند، به مقدار معتنابهی وجود خود را گسترش دهد و علم و توانایی‌اش را افزون سازد.

در ابتدای توان هیچ‌یک از افراد بشر دارای علم و دانایی کامل نیست و به واسطه تمرین، مجاهده و تعلیم و تربیت به توانایی بی‌مختاف دست می‌یابد و دقیقاً در این خط سیر، خالق انسان او را برای رسیدن به منزل فعلیت، به تدریج مجهز کرده که مشخص‌ترین آن عقل است که به عنوان بازدارنده‌ی انسان از ضلالت، «هدایت‌گر او» سوی خدای رحمان «الْعَقْلُ مَا عُيِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اكْتَسَبَ بِهِ الْجَنَانُ» (بحار الانوار، ج ۱: ۳۹، ۴۰، ۱۱) رسول حق تعریف می‌شود. «الْعَقْلُ رَسُولُ الْحَقِّ» (غررالحکم: ۲۵۵)

هرچند عقل به عنوان پیامبر درون در وجود انسان به ودیعه نهاده شده است، اما رسیدن به درجه رفیع برخورداری از عقل پیامبر درون، برای هر انسانی بی‌سر نیست چرا که این کنش‌ها از مختصات عقل سلیم است. از این رو انسان حتی در بعد عقلانی نیز، استیاج به تربیت دارد و به واسطه ضعف‌ها و محدودیت‌هایی که لازمه‌ی خلقت انسان است، نمی‌توان صرفاً به نیروی عقل اکتفا کرد. تاریخ حیات انسانی، نارسایی عقل را به‌خصوص در قانون‌گذاری و هدایت به سوی سعادت، نمایش گذاشت و این ضعف‌ها باید به وسیله نیروی برتر جبران شود که به کمک آن ارزیابی‌ها، به نحو صحیح صورت گیرد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَلَى النَّاسِ حُجَّةُ الظَّاهِرَةِ وَ حُجَّةُ الْبَاطِنَةِ، أَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرَّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَثَمَةُ (عليهم السلام)، أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ». (اصول کافی، ج ۱: کتاب العقل و الجهل و ج ۱۲: ۱۰) بر این اساس در صحنه‌ی حیات انسان، عقل تنها می‌تواند عهده‌دار قسمتی از هدایت

انسان باشد.

از سوی دیگر، اگرچه انسان امروزی بیش از همیشه توان رفتن را دارد اما از دانایی رفتن بی بهره است و این همه نتیجه نشناختن پیش آهنگ های راه دان است و برای دست یافتن به هدایت واقعی باید به سوی انسان های کامل و آگاه توجه کرد، چرا که بجز از کاملان و آنهایی که مثل اعلای انسانیت اند نمی توان طریق سعادت واقعی را آموخت.

رفتارها و انتخاب های این بزرگان در جهت رشد و ارتقای معنوی و اخلاقی انسان قرار می گیرد و در چنین شرایطی که اقدامات تربیتی در جهت اتصال معنویت انسان به مقام قرب الهی باشد، «روح مؤمن به روح خداوند متصل تر است از اتصال شعاع خورشید به خورشید» «وَإِنَّ رُوحَ الْمُؤْمِنِ لَأَشَدُّ إِتِّصَالًا بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ أَشَدِّ إِتِّصَالِ الشَّمْسِ بِهَا» (اصول کافی، ج ۳: ۲۴۲) و این اتحاد عالی ترین و بالارزش ترین انواع اتحاد است، زیرا ناشی از انجذاب ارواح رشد یافته به روح لایزالی است. این اتحاد اکتسایی بوده و واقعی است که از قانون نفس الامری ملکوتی روح انسان ناشی می شود و تعلیم و تربیت حیات معقول درصدد بقوت عمده اصل درک و فراگیری حیات اصیل زندگی این بزرگان و تحریک فرزندان جامعه به انتقال تدبیری از حیات مادی محض به حیات معقول و معنوی است.

همان گونه که آنچه موجب هیبت در باها می باشد، نیازها می شود، خیزش امواج آنهاست، در جامعه نیز اندیشه ها و فرهنگ های والا منجر به خیزش افکار بلند می شوند و همان گونه که برای رسیدن به ساحل تنها مهارت در فن شنا کفایت نمی کند و نیاز به کسی و ناخدا وجود دارد که افراد را به خوبی راهی ساحل کند، اندیشه های زلال توأم با آرامش و اطمینان نیز با این صورت در جایگاه هدایتی قرار می گیرند.

پیام حضرت رسول (ص) نشان از این حقیقت دارد: «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ نُوحٍ مِنْ رَكْبِهِا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» مثال اهل بیت من در میان شما مانند کشتی نوح است کسی که در آن سوار شود نجات یابد و کسی که تخلف ورزد غرق خواهد شد. (بحار الانوار، ج ۲۳: ۱۲۳؛ القدير، ج ۲: ۳۰۱).

همه کانال های رحمت هدایت الهی در سطوح مختلف باز هستند و انسان ها متناسب با استعدادها و معرفت هایشان توان بهره برداری از آنها را خواهند یافت. تربیت مؤثر در اثر بهره گیری بیشتر از این کانال های ارتباطی است و کسانی که از استادان و راهنماهای قابلی برخوردار باشند می توانند بهره ی مناسب تری در حوزه ی اخلاق و رفتار داشته باشند. بر این مبنا به هر میزان که الگو اهمیت بیشتری

داشته و شاخص تر باشد، از تأثیر بالاتری نیز برخوردار خواهد بود و نقش تربیتی ائمه اطهار علیهم السلام از جمله حضرت حسین (ع) چنین است. «إِنَّ الْحُسَيْنَ مُصْبِحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ» (بحار الانوار، ج ۲۳: ۱۲۴) حضرت حسین (ع) چراغ هدایت و کشتی نجات است و کربلا جلوه گاه افکار بلند انسان سازی آن حضرت (ع).

کربلا شاهد دو اردوگاه، دو صحنه ی طیب و خبیث در مقابل هم بود. اردوگاه توحید، برائت، صبر، شجاعت، ایثار و همه ی خوبیها در مقابل اردوگاه شرک، مادی گرایی و مادی پرستی، ناجوانمردی، ظالم، بی رحمی و قساوت. در شبی که همه ی پاکبها و محسنات در اردوگاه حسین (ع) است، جبهه ی غالب همگی هستی شان را با بی خردی و یا تسلیم شیطان شدن، به تاراج گذاشته اند و همه چیز برای شان دادن امر فاجعه انسانی مهیاست.

حضرت امام حسین (ع) در صحنه ی کربلا در هفت، هشت ساعت به نمایش توحید نظری و عملی پرداختند و به تمامی سخن از خدا (رضاً به رضائک)، صبر (صبراً به بلائک)، نبوت (أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ (ص))، معاد و یادآور مرگ، مرگ برای انسان همانند گردن بند برای دختران جوان است و اینکه اگر قرار بود دنیا بماند و پایدار باشد، انبیا الهی به این امر سزاوارتر بودند، امامت (مردی را می کشی که روی زمین جز او کسی پسر دحر پیامبر نیست (لَهُوَ: ۱۱۸)) و عدالت (به هیچ وجه اجازه ی شروع جنگ، و به یارانشان اجازه ی ناسزاگویی ندادند) داشتند، به تمامی به اجرای احکام (دوبار برای نماز و عبادت مهلت خواستند، شب و ظهر عاشورا، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری پرداختند و همه را در یک زمان انجام دادند.

آن حضرت روزه بودند (سخن پیامبر (ص) که «تو شهید آل محمدی و باید امشب افطار نزد ما باشی» (نفس المهموم: ۲۱۱))، به قرائت قرآن می پرداختند، مرتب استغفار می کردند، حتی در احکام مکروهات، رعایت تام داشتند (کمک خواستن برای حمل بدن فرزندشان، که حمل آن شهید بر پدر مکروه است، رعایت حق الناس و خرید زمین کربلا)، در جریان کربلا بیش از ۴۰ بار خطبه خواندند و بارها نصیحت، موعظه و اتمام حجت فرمودند. به رعایت قاطع موازین اخلاقی چون صبر (بر مصیبت، داغ عزیزان، در برابر سخنان و رفتار دشمنان)، شجاعت و ایثار اصرار ورزیدند.

جامعیت همه اصول اخلاقی، حق محوری، عمل صالح و توان رهبری شرایطی است که به ماندگاری و پایداری «عاشورا» انجامید. راز ماندگاری حوادث در این است که در راه حق و برای حق باشد، که هر چه به او پیوست چنین می شود، «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (قصص: ۸۸).

بازنگری و تأمل در گفتار حضرت امام حسین (ع) که همواره با کردار توأم بوده، می تواند انسان را در تشخیص درست وظایف، ایمان قاطع به هدف، خلوص نیت، تقویت ارزشها، اصلاح نگرش نسبت به ارزشهای اصیل، صبر و پایداری در انجام تکالیف و شدايد زندگي ياري کند؛ فضایل اخلاقی مانند حریت و آزادگی، عزت و ارجمندی کرامت نفس، صلابت شجاعت، خستگي ناپذيري در مبارزه با ظلم و نابسامانی های اخلاقی را به انسان بیاموزد و به افزایش اعتماد به نفس، تقویت نیروهای انسانی به عنوان مهم ترین سرمایه اجتماعی و استفاده ی کارآمد و اثربخش از منابع انسانی بیانجامد.

«کربلا» احسن (ع) دو نامی هستند که با هم پیوند خورده اند، از این رو با فرهنگ عاشورا به هر میزان که با آگاهی و بصیرت وارد شویم می توانیم فضاهایی را ایجاد کنیم که بسترهای زمینه ای سبک تربیتی آن را انگیزشی و تشویقی می تواند مدرسه ای باشد که رفتار درون فردی و بیرون فردی را در زوایای مختلف زندگی تحت تأثیر قرار دهد، اینجاست که نیروهای مختلف و متضاد بشری به هماءوردی طلبیده می شود، تا شکار انجاصلی خلقت، از درون آمیخته با فطرت پاک بشری نمایان شود. و یک روز در کربلا صراط مستقیم است که به سمت خداوند به عنوان هدف عالی آفرینش انسان؛ روزی که بدون کم و کاست جلوه های خاص «انسان کامل» هنرنمایی می کند.

هرچند انتقال مفاهیم دینی و تربیتی فقهی است و به میزان دریافت طرف مقابل بستگی دارد. اما از آنجا که آن حضرت براساس عقل و از راه دل وارد حریم انسان ها شدند، پس پیامی که بر این مبنا ارائه شود، می تواند مؤثر باشد و حضرت حسین (ع) هر چند آثار و تالیفات و جلدان انسانی را قدم به قدم تا در گاه با صلابت «تربیت» روانه خواهد کرد.

کتاب حاضر تلاشی است در جهت مرور پاره ای از روش های تربیتی به کار گرفته شده توسط حضرت امام حسین (ع) در جریان کربلا.

فاطمه حسینی دولت آبادی

عضو هیات علمی دانشگاه گیلان